

بررسی تطبیقی بازشناساندن هویت زنان در شاهنامه فردوسی و کوشنامه

ممتاز حیدری^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران.

حسن شهریاری^۲

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

شاهنامه فردوسی و کوشنامه اثر ایرانشاه بن ابی‌الخیر، از برجسته‌ترین آثار حماسی ادب فارسی و جهان به شمار می‌روند که علاوه بر داشتن ارزش‌های هنری و حماسی، سندی معتبر از هویت، فرهنگ و ساختار اجتماعی فارسی‌زبانان در دوران کهن محسوب می‌شوند. این آثار، بستری برای بازتاب سیمای زنان و نقشی که آن‌ها در ساختار اساطیری، پهلوانی و تاریخی ایفا کرده‌اند، فراهم می‌آورند. هدف از این پژوهش، بررسی تطبیقی بازشناساندن هویت زنان در شاهنامه و کوشنامه است. در این مطالعه تلاش شده است تا با تحلیل نقش‌ها و تأثیرگذاری‌های متفاوت زنان در این دو اثر، جلوه‌های متنوعی از هویت زنان در مقاطع اساطیری، پهلوانی و تاریخی روشن گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نقش زنان در شاهنامه و کوشنامه به یک شکل نیست؛ بلکه هر کدام در بستری متفاوت از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و داستان‌پردازی حضور یافته و تأثیرات خاص خود را در روند روایت‌ها و تحول داستان‌ها داشته‌اند. در این پژوهش به بررسی توانمندی‌ها و محدودیت‌های شخصیت‌های زن پرداخته شده و میزان اثرگذاری آن‌ها در شکل‌گیری حوادث، بازتاب مسائل اجتماعی و فرهنگی، انعکاس نگرش جامعه به هویت و جایگاه زنان مورد تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه فردوسی، کوشنامه، زنان، هویت، آثار حماسی.

¹ Email: mumtaz.haidari@gmail.com

² Email: Hasan69shahryari96@gmail.com.

مقدمه

شاهنامه فردوسی نقشی اساسی در بازتاب ابعاد گوناگون زندگی انسان در دوره‌های مختلف تاریخ ایفا کرده است. در این اثر ارزشمند، زنان نه تنها به عنوان شخصیت‌هایی جانبی، بلکه به عنوان بازیگرانی تأثیرگذار و چندوجهی با نقش‌های متنوع مانند عاشق، خردمند، جنگجو و حتی گاه خیانت‌کار حضور دارند. این امر نشانگر نگرش عمیق فردوسی به ساختارهای اجتماعی و جایگاه زنان در جامعه است.

در کوششنامه اثر ایرانشاه بن ابی‌الخیر نیز با وجود اهمیت ویژه‌اش به عنوان یک اثر حماسی و فرهنگی، شخصیت و نقش زنان مورد توجه و بررسی کافی قرار نگرفته است. این کاستی پژوهشی زمینه‌ای را فراهم ساخته که تحلیل جایگاه و هویت زنان در این اثر، به طور مقایسه‌ای با شاهنامه، ضرورت بیشتری یابد.

هدف از انجام این پژوهش، «بررسی تطبیقی بازشناساندن هویت زنان در شاهنامه فردوسی و کوششنامه» است. پژوهش حاضر می‌کوشد جایگاه زنان، نقش‌ها و شخصیت آن‌ها، و نحوه تعامل و رفتار ایشان در بستر محیط پیرامونشان را در این دو شاهکار برجسته حماسی بررسی نماید. تحلیل واکنش‌ها و عملکردهای زنان در داستان‌های مختلف، جلوه‌ای روشن‌تر از حضور و تأثیرگذاری آن‌ها را در فرهنگ و تاریخ ادبیات فارسی به نمایش می‌گذارد. از این منظر، شاهنامه و کوششنامه، نه تنها بازتاب‌دهنده شرایط اجتماعی دوران حیات فردوسی و ایرانشاه بن ابی‌الخیر هستند، بلکه بستری ارزشمند برای تحلیل تطبیقی جایگاه زنان در منظومه‌های فرهنگی، تاریخی و حماسی به شمار می‌آیند. بررسی این آثار، شناخت عمیق‌تری از هویت، نقش‌ها و ظرفیت‌های زنان در نظام فکری و فرهنگی فارسی‌زبانان ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر درصدد است به سؤال زیر پاسخ دهد:

آیا سرایندگان شاهنامه و کوششنامه به یک میزان توانسته‌اند هویت قهرمانان زن حماسه‌ساز و مشترکات فرهنگی ایران باستان و فرهنگ اسلامی با پشتوانه قوی قرآنی را در پهنه ادب فارسی بازشناسی و متجلی سازند؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

حماسه به عنوان یک نوع ادبی شامل نظم و نثر، تاریخچه‌ای کهن از آثار ادبی را به خود اختصاص داده است و می‌توان گفت مهم‌ترین گونه ادبی از لحاظ ارتباط با تاریخ، اساطیر، افسانه‌ها و واقعیات و رسوم باستانی به شمار می‌رود. در حماسه با توجه به اینکه به طور معمول ماهیت خشونت و جنگ‌آوری را داراست، طبیعتاً نقش زنان کمتر از مردان است که معلول تفکیک جنسیت مبتنی بر نقش و ایفای نقش در طول تاریخ است. اما به هر حال نمی‌شود از جایگاه حذف ناشدن زن در آثار حماسی گذشت و تعمیم‌های کلی زد از قبیل زن‌ستیزی فردوسی، هومر و... . حماسه، اثری است برآمده از جامعه مردسالار که کارکردهای دلاورانه و قدرت‌نمایی‌های مردانه در آن، همواره بیش از حضور و نقش‌ورزی زنان به چشم می‌آید. اما، از آن‌جا که بیشتر آثار حماسی، زیرساختی اسطوره‌ای دارند و از آبشخور اساطیر سیراب شده‌اند، جنبه‌های مختلفی از زندگی مردمان را، اعم از مسائل فرهنگی، اجتماعی، انسان-شناختی، روان‌شناختی و... بازتاب می‌دهند. آن‌چه در این میان، حائز اهمیت است، حضور زن، به عنوان بخشی از دایره هستی و تجلی کارکردهای آن در باورهای مردم ادوار کهن است. با وجودی که آثار حماسی، شرح دلاوری‌های قهرمانان مذکر است و بر قدرت جسمانی و پهلوانی مردان حماسه صحنه می‌گذارد، اما از حضور زن، به عنوان نیمه‌ی مکمل حیات و هستی بشری خالی نیست.

زن در اغلب آثار ادبی جهان، مخصوصاً ادب ایران‌زمین، با توجه به مقتضیات زمانی هر دوره از جایگاهی خاص برخوردار است. زنان به‌خوبی توانسته‌اند در کنار مردان از عهده وظایف خویش برآیند. لیکن در برخی از دوره‌ها شاهد نزول مقام و جایگاه ایشان می‌باشیم. فرایند کردار و رفتار زنان تنها در آثار غنایی و نمایشی وجود ندارد، بلکه در آثار حماسی نیز که برگرفته از اعتقادات عمیق قومی، ملی و دینی است به‌خوبی بازتاب یافته است. در این میان شاهنامه حکیم فردوسی و پهلوان‌نامه کوشنامه اثر ایرانشاه ابن ابی‌الخیر سهمی سترگ و با عظمت را در تاریخ اجتماعی ایران درباره زنان بر عهده‌دارند. درست است که به لحاظ کمی حجم بسیار کمتری از آثار حماسی به زنان — در مقایسه با مردان — اختصاص یافته است، ولی نقش برجسته آنان را در بسیاری از داستان‌های حماسی به هیچ روی نمی‌توان نادیده انگاشت.

ایران‌شاه ابی‌الخیر منظومه کوشنامه را در قرن پنجم هجری به پیروی از شاهنامه فردوسی سروده است؛ این اثر حماسی همانند سایر آثار هم‌نوع بازتاب دهنده مسائل فرهنگی، اجتماعی، روان شناختی، انسان شناختی و... ایرانیان کهن است که می‌توان از طریق آن به جهان‌بینی و نوع نگرش ایرانیان و به‌ویژه مؤلف اثر درباره مسائل مختلف پی برد. یکی از مسائل قابل تأمل در این منظومه جایگاه و وضعیت زنان است، زیرا برخورد کوش، قهرمان غیر ایرانی این حماسه، برخلاف سایر آثار حماسی با زنان بسیار ظالمانه و وحشیانه است به نظر می‌رسد این مسأله ریشه در دوران کودکی وی داشته باشد زیرا به محض تولد کوش، پدرش به دلیل زشتی او مادرش را کشت و کوش را طرد کرد.

از دیدگاه داستان‌نویسی نوین تاکنون تحقیقات متعدد و درخور توجهی در مورد شاهنامه و کوشنامه صورت گرفته است، بیشتر پژوهش‌ها پیرامون بازتاب چهره و شخصیت زنان، حضور آنان و رابطه آنها با مردان یا پهلوانان شاهنامه بوده است؛ اما آنچه توجه پژوهشگر را برانگیخته چگونگی پردازش شخصیت زنان و هویت آنان در آثار حماسی مذکور است. حضور زن در شاهنامه فردوسی از جایگاه ویژه و برجسته‌ای برخوردار است؛ اما در آن زنان نقش کم‌رنگ‌تری نسبت به مردان در پیشبرد حوادث ایفا می‌کنند. با این حال زنان، تقریباً در همه داستان‌های شاهنامه، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم حضور دارند و این نشان از ارج و قربی است که فردوسی برای زنان قائل شده است.

زن به‌عنوان اصلی‌ترین عامل زایایی و بالندگی انسان نقشی بی‌تردید در ادامه حیات آدمی دارد. به‌تناسب ماهیت این موجود، همه ویژگی‌ها در او می‌تواند همواره جنبه حداکثری داشته باشد؛ به‌عنوان مثال ویژگی‌های مثبتی چون عشق، عاطفه و نوع‌دوستی به‌گونه‌ای آشکارا در وجود وی نمود دارد و به همین‌گونه است در موارد ناپسندی چون کینه و فتنه‌انگیزی. همین ویژگی خاص-جمع اضداد بودن موجب شده است تا زن در گستره ادب جهان و ازجمله ادبیات فارسی در پرورش مقوله‌های آموزشی و غنائی مطمح نظر شاعران از جمله حکیم فردوسی در شاهنامه و ایران‌شاه ابن ابی‌الخیر در کوشنامه باشد.

۱. نکاتی چند پیرامون شخصیت زن در داستان شاهنامه

فردوسی آگاهانه زنان را برتر و شایسته‌تر تحسین می‌داند. زنان شاهنامه دوستدار فرهنگی کشور خود، شجاع در اندیشه و رفتار، ایثارگر در عشق، وفادار به همسر و فرزند و آگاه و متفکرند. فردوسی در شاهنامه جایگاه و مقامی سزاوار برای زن قائل شده است که جایگاه زن با عنوان مادر، برترین مقامی است که فردوسی به آن اشاره می‌کند. در شاهنامه مادر و زن با عالی‌ترین صفات انسانی وصف شده است؛ صفاتی چون خردمندی، وفاداری، پوشیده رویی و... که این صفات به گونه‌ای در وجود مادرانی چون: «فرانک» مادر فریدون، «سیندخت» مادر رودابه، «تهمینه» مادر سهراب و «کتایون» مادر اسفندیار مشهود است.

۱-۱. حضور زنان در شاهنامه

«شاهنامه کتابی است که زن در سراسر آن حضور دارد» می‌توان ردپای زنان را در تمام داستان‌های آن جستجو کرد، البته طول و عرض این نقش‌ها در هر داستان به اقتضای زمان، مکان، نوع کنش‌ها، واکنش‌ها و شخصیت‌های مختلف متفاوت است. حضور زنان در دوره اساطیری بسیار کم‌رنگ است و جز فرانک که حضور مؤثر و تعیین‌کننده‌ای دارد، همگی در سایه حضور پهلوانان و شاهان گم می‌شوند. در دوران پهلوانی زنان حضور و تأثیر بیشتر در داستان‌ها دارند. زن‌ها هستند که به داستان‌های تراژیک شاهنامه آب و رنگ بخشیده‌اند؛ رودابه، سیندخت، سودابه، تهمینه، گردآفرید، فرنگیس، جریره، منیژه و کتابون از جمله این زن‌ها هستند. زنان بخش تاریخی با آنکه از نظر تعداد بیشترند و حضور کمی در داستان‌ها دارند؛ ولی به اندازه زنان بخش پهلوانی نقش مهم و تأثیرگذاری ایفا نمی‌کنند؛ به همین دلیل این زنان کمتر معروف‌اند.

۱-۲. شخصیت زنان شاهنامه

نویسندگان، شخصیت داستان را به دو روش «مستقیم» و «غیرمستقیم» معرفی می‌کنند. «در معرفی مستقیم، نویسنده رک و صریح شخصیت داستان را معرفی می‌کند. در معرفی غیرمستقیم، نویسنده با عمل داستانی شخصیت را معرفی می‌کند.» فردوسی به هر دو روش شخصیت‌هایش را معرفی می‌کند؛ ولی معرفی غیرمستقیم درست‌تر و دقیق‌تر بیان‌کننده شخصیت یک فرد خواهد بود؛ زیرا «در یک اثر دراماتیک، برای معرفی شخصیت، به توصیف احوال

و خصوصیات اخلاقی او نمی‌پردازند بلکه موقعیتی فراهم می‌آورند تا شخصیت به اقتضای خلق و خوی خود، در بررسی شخصیت‌های زنان بر اساس عمل داستانی شان صورت گرفته است نه آنچه که حکیم طوس در توصیف آنها بیان داشته است. فردوسی در جای جای شاهنامه از دلاوری، هوشیاری، عقل و درایت زنان سخن گفته و آنان را وارد اجتماع نموده و مقام منزلتی والایی به زن بخشیده است. زنان همچون مردان در دوراندیشی، پارسایی و تیزهوشی مورد ستایش قرار می‌گیرند. (بصاری، ۱۳۵۰: ۵ تا ۷) این نشان از بزرگی و عظمتی است که فردوسی برای زنان قائل است. در این مورد سیندخت همسر مهرباب کابلی و مادر رودابه را مثال زد که با رایزنی و تدبیر خود از جنگ خونین جلوگیری کرد و مهرباب کابلی را متقاعد به ازدواج زال وروابه کرد.

سخن ها چو بشنید از او پهلوان / زنی دید با رای و روشن روان

۱-۳ نقش کلی زنان در شاهنامه

نولدکه، شاهنامه شناس معروف آلمانی، دربارهٔ مقام زن در شاهنامه می‌نویسد: «در شاهنامه زنان نقش فعالی ایفا نمی‌کنند؛ تنها زمانی ظاهر می‌شوند که هوس یا عشقی در میان باشد.» (نولدکه، ۱۳۸۴: ۱۱۵) این گفته پذیرفتنی نیست؛ زیرا نقش زنان در شاهنامه پیچیده‌تر از آن است که در یک جمله خلاصه شود. اگر بگوییم زنان هیچ نقشی در داستان‌های شاهنامه ایفا نمی‌کنند، هم در حق زنان و هم در حق زنان شاهنامه اجحاف کرده‌ایم. «در هیچ داستانی از شاهنامه نمی‌توان مدعی شد که داستان بدون نقش، تأثیر و حضور زن پایان پذیرد.» (اکبری، ۱۳۸۰: ۶۲) البته این جمله اغراق آمیز است؛ در برخی داستان‌های شاهنامه زنی حضور ندارد و در برخی دیگر که زنی هم حضور دارد، ممکن است نقش مؤثری نداشته باشد.

تمام نقش‌هایی که زنان در شاهنامه ایفا می‌کنند دارای وزن و بسامد یکسان نیستند. اگرچه در هر داستان، اثرگذاری، شخصیت و حضور زنان با هم متفاوت است، گاه این حضور و تأثیر کم و زیاد می‌شود؛ ولی هیچ‌گاه نمی‌توان گفت زنان هیچ نقشی در داستان‌های شاهنامه ندارند. «در میان ادبیات منظوم گذشته، شاهنامه تنها کتابی است که زن نقش اساسی و فاعلانه در آن ایفا می‌کند.» (یزدانی، ۱۳۷۸: ۵۰) آنچه که بیشتر مخاطبان را در بررسی داستان‌های زن در شاهنامه جلب

می‌کند این است که: زنان شاهنامه نقش‌های متفاوتی را می‌پذیرند همچنان که «تنوع نقش‌آفرینی زن در شاهنامه به‌گونه‌ای است که بیشتر نقش‌های زنانه ممکن در یک اجتماعی کهن را در برمی‌گیرد که البته در این میان نقش‌های مثبت است.» (عباسی، ۱۳۸۹: ۱۲۷)

۱-۴. وفاداری زنان و مادران در داستان‌های شاهنامه

زن به‌عنوان موجودی وفادار و فداکار معرفی شده است به گونه‌ای که در مورد زیادی وجود خود را فدای مردان نموده تا از آنان حفاظت نماید و با این که اکثراً از کشورهای دیگر هستند، همه جا نسبت به همسران خود وفادار و مهربانند. در اینجا می‌توان از جریره، مادر فرود نام برد که فرود را آگاهی می‌دهد که از تبار ایرانیان است و برادرشاه کیخسرو است. ۳: ۳۱ / ۶۹

جریره زنی بود مام فرود / زبهر سیاوش دلش پر زدود

زمانی که جریره از فرود می‌خواهد تا برای شناختن تبار خود از تخواار پهلوان کمک بگیرد، وقتی سپاه طوس نزدیک آنان شد در پاسخ، فرود به مادرش گفت: ۳: ۳۳ / ۱۰۴

بدو گفت: رای تو ای شیرزن / درفشان کند دوده و انجمن

این وفاداری جریره نسبت به سیاوش تا جایی ست که حتی فرود را از جنگ با ایران بر حذر می‌دارد. زمانی که فرود به مادر خبر آمدن لشکر ایران را می‌دهد: ۳: ۳۲ / ۷۰ تا ۷۴

«نمود همین وفاداری بیش از حد است که برخی تصور نموده‌اند، فردوسی می‌خواهد بین زن و مرد فاصله اندازد و بی‌عدالتی برقرار نماید. زنان را اسیر و دست‌نشانده مردان قرار دهد و حقوق حقیقی آنان را پایمال نماید.» (رنجبر، ۱۳۶۷: ۱۶۸) شاهنامه از انتهای وفاداری زنان به شدت سخن گفته شده است، مانند تهمینه؛ که وفادارترین زن در داستان‌های شاهنامه است. وقتی رستم مهره‌ای که به بازویش بسته شده بود، بیرون کشید و به تهمینه داد که اگر فرزندشان دختر بود به گیسوانش و اگر پسر بود به بازوانش بندد. تهمینه در جواب گفت: من همه عمر همسر تو مادر فرزند تو و شیفته توام. (ریاضی، ۱۳۸۴: ۹۸)

۱-۵. حیا و شرم زنان و مادران در شاهنامه

یکی از صفاتی که فردوسی از زن ایرانی نقل می‌کند شرم و حیاست: ۷: ۴۲۰ / ۴۰۵۲ و

۴۰۵۳

چنین داد پاسخ که زن را که شرم / نباشد به گیتی، نه آوار نرم

«حکیم طوس دسته‌ای از زنان را سرزنش کرده و آنان را بدکنش و بدکردار خوانده که اثری از

شرم در وجودشان نیست.» (زنجیر، ۱۳۶۹: ۱۶۹) ۷: ۳۰۲ / ۲۶۴۷

زنانی که ایشان ندارند شرم / به گفتن ندارند آوای نرم

داستان‌های شاهنامه فردوسی و روایات کوشنامه ابی‌الخیر

ویژگی‌های شخصیتی و نمادین زنان شاهنامه

امروزه نگرستن به زندگی زنان در جامعه یکی از معیارهای سنجش جامعه مدنی و غیر آن

است. پس تلاش وجود دارد تا این مساله را به اثبات برسانند که زنان در تاریخ گذشته ما و در

روزگار خود دارای جایگاه خاص بوده‌اند. چون می‌خواهند نشان بدهند که مردمانی که پیش از ما در

این سرزمین می‌زیسته در چه سطحی از تمدن قرار داشته‌اند.

شاهنامه یکی و مهم‌ترین اثری است که چگونگی زندگی زنان در آن انعکاس گسترده دارد.

خواننده شاهنامه با درک و فهم مسایل گوناگون؛ چون حکومت‌داری، مرزبانی و دفاع از میهن،

آبادانی و کشت و بذر و جنگ و صلح و باز مسأله زنان، برخورد با آنان و نقش آنان در جامعه،

احساس غرور می‌کند. خواننده شاهنامه بدین باور می‌رسد که گذشتگان او مردمان متمدنی بوده‌اند

و او نیز استحقاق زندگی بهتر را در کنار ملل متمدن دنیا دارد.

توصیف زنان از زبان فردوسی

نخستین سخنان فردوسی درباره زن، در همان نخستین داستان او (بیژن و منیژه) آن هم

درباره همسر خود ابراز می‌کند. فردوسی در یک شب هولناک که در خواب خویش ترسیده است.

تنها یار مهربانی یاور اوست.

زن خوب رخ رامش افزای و بس / که زن باشد از درد فریادرس (۱: ۱۶۲)

این شب هولناک به روزگار شاعر می ماند که تنها همسرش او را در سرایش شاهنامه دلالت می کند. (۵: ۱۶۲)

زنان در شاهنامه به پارسایی، رایزنی، وفاداری و فداکاری، حیا و شرم و زیبایی ستوده شده اند که در ذیل نمونه هایی چند را در این موارد از زبان فردوسی می خوانیم:

پارسایی و رایزنی:

ز پاکی و از پارسایی زن / که هم غمگسارند و هم رایزن (۶: ۱۶۷)

اگر پارسا باشد و رایزن / یکی گنج باشد پراکنده زن (۶: ۱۶۸)

وفاداری و فداکاری:

در همه داستان های عاشقانه شاهنامه وفاداری و فداکاری میان عاشق و معشوق موج می زند. فداکاری ها تا سرحد مرگ ادامه می یابد و وفاداری تا آخر زندگی.

حیا و شرم:

یکی از مواردی را که فردوسی درباره زنان تأکید دارد حیا و شرم است که زنان خوب، باید از آن برخوردار باشند.

چنین داد پاسخ که زن را که شرم / نباشد به گیتی، نه آواز نرم (۶: ۱۶۹)

مهرین زنان جهان آن بود / کزو شوی پیوسته خندان بود (۱: ۱۶۲)

در شاهنامه فردوسی مواردی هم هست که زنان در آن نکوهش شده اند. به ویژه درباره عدم رازداری. همه این موارد از اعتقاد فردوسی درباره آنان سرچشمه نمی گیرد. (۸: ۱۳۹) بسیاری از این موارد بر می گردد به مآخذی که فردوسی از آن استفاده کرده است. ما می دانیم که هم در دوران فردوسی و هم پیش و پس از ایشان نظر غالب نویسندگان درباره زنان سخت گیرانه و سرشار از تعصب است و استفاده فردوسی از چنین مآخذی ناگزیر درشتی هایی در کلام او نیز وارد می کند.

برخلاف آنچه که برخی‌ها به فردوسی نسبت می‌دهند من بدین باورم که فردوسی زنان را به کار و کوشش که مایه سرفرازی و نام‌آوریست، تشویق می‌کند:

زنان را از آن نام ناید بلند / که پیوسته در خوردن و خفتن‌اند

نقش کلی زنان در شاهنامه

زنان خردمند و مشاور: زنان در شاهنامه گاه نقش راهنما و خردمند دارند. شخصیت‌هایی مثل رودابه و فرنگیس با خرد و تدبیرشان بر روند داستان‌ها تأثیر می‌گذارند.

تحلیل: این نقش نشان‌دهنده احترامی است که فردوسی برای هوش و تدبیر زنان قائل بوده است.

زنان عاشق و وفادار: عشق در شاهنامه، پایهٔ بسیاری از روایت‌ها است. تهمینه با عشق و فداکاری‌اش نمونه‌ای از زنی است که زندگی خود را به قهرمان داستان، یعنی رستم، پیوند می‌دهد.

تحلیل: فردوسی عشق را امری انسانی و فراتر از جنسیت می‌داند.

زنان مقتدر و قدرتمند: شخصیت‌هایی مثل گردآفرید نقش قهرمانی نیز ایفا می‌کنند و وارد عرصه نبرد می‌شوند. این امر نشان‌دهنده اهمیت حضور زنان حتی در میدان‌های نظامی است.

تحلیل: فردوسی بر نقش زنان در تمام عرصه‌های زندگی تأکید دارد.

زنان آسیب‌پذیر: برخی شخصیت‌های زن در شاهنامه نیز دچار آسیب‌های اجتماعی و فردی می‌شوند که بیانگر محدودیت‌ها و تبعیض‌های موجود در جامعه است.

نقش کلی زنان در کوشنامه:

زنان نمادین و آرمانی: در کوشنامه، شخصیت‌های زن بیشتر به‌عنوان مظهر زیبایی یا الهامات آرمانی معرفی می‌شوند.

تحلیل: این نقش بیشتر جنبه نمادین دارد و کمتر به تحلیل عمیق روان‌شناختی شخصیت‌ها پرداخته شده است.

زنان در چارچوب خانواده: شخصیت‌های زن در کوشنامه اغلب به نقش‌های خانوادگی و همسری محدود شده‌اند.

زنان مطیع و وابسته: برخلاف شاهنامه، زنان در کوشنامه اغلب وابستگی بیشتری به قهرمانان مرد دارند و شخصیت مستقل چندانی از خود بروز نمی‌دهند.

تحلیل: این موضوع می‌تواند بازتاب واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی زمان نگارش این اثر باشد.

کوشنامه یکی از برجسته‌ترین آثار حماسی ایرانی به‌شمار می‌رود که ایرانشان بن ابی‌الخیر آن را به رشته تحریر درآورده است. در این اثر، مانند سایر آثار حماسی، شخصیت‌های زن وجود دارند که نقش‌های مختلفی را ایفا می‌کنند. با این حال، زنان در کوشنامه در مقایسه با بسیاری از آثار کلاسیک فارسی بیشتر در زمینه‌های عقلانی، اجتماعی و حماسی مورد توجه قرار گرفته‌اند تا نقش‌های صرفاً عاطفی و شخصیت‌های ساده. در کوشنامه، شاهد آن هستیم که زنان به‌عنوان کارگزاران هوشمند در بسیاری از امور جامعه عمل می‌کنند و توانمندی‌های خود را در رسیدن به اهداف انسانی و دنیوی نشان می‌دهند.

تأثیر زنانی که در کوشنامه حضور دارند: از آزادی تا قیام

بیشتر زنان در کوشنامه به نوعی از قیام، دفاع از خانواده، عدل و شجاعت پرداخته‌اند و از موقعیت‌هایی که برای خود جلب کرده‌اند به‌طور فعال و هوشیارانه بهره‌برده‌اند.

الف. زنانی که نقش‌هایی همچون مشاور یا همراه جنگجو دارند:

حکیمه: شخصیت "حکیمه" نمونه‌ای از زنانی است که مانند یک مشاور با مردان خردمند و دلاور در ارتباط است. او با عقل و دانایی‌اش نقش مشاوره را بر عهده دارد و شخصیتش به وضوح نشان‌دهنده نقشی عقلانی و استراتژیک است.

زنان جنگجو: زنان کوشنامه گاه در نقش جنگجو و دلاور ظاهر می‌شوند. یکی از نمونه‌های معروف در این زمینه "شاه‌زنان" هستند که همچون مردان در میدان جنگ حضور دارند و تا پای جان برای اهدافشان مبارزه می‌کنند.

ب. نقش زنان در تحلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی:

در کوشنامه، نقش زن فراتر از بعد خانوادگی رفته و به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی توجه زیادی شده است. زنان در این اثر آینه‌ی مشکلات اجتماعی دوران خودند و از نظر عقلی، اجتماعی و فرهنگی در مواجهه با بحران‌ها قرار می‌گیرند.

نقش زنان در زندگی شخصیت اصلی، ایرانشان بن ابی‌الخیر

یکی از موارد مهم در بررسی نقش زنان در این اثر، روابط آنها با شخصیت اصلی داستان است. این شخصیت‌ها می‌توانند پدیده‌های بی‌پناهی، قدرت‌های عاطفی و تلاش‌های بیرونی را با هم ادغام کنند.

ارتباط بین زنان و مسائل اجتماعی و سیاسی در کوشنامه

یکی از جوانب بسیار مهم در نقش زنان کوشنامه، تحلیل موقعیت اجتماعی زنان در درگیری‌ها و بحران‌های موجود است. در کوشنامه، زن‌ها نه تنها در خانه و محیط خانوادگی بلکه در تحلیل و بررسی پیامدهای اجتماعی-سیاسی و زندگی ملل نیز نقش دارند. گاه آنها بر اساس تحلیلات به پیشنهادات مهم رسیده و گام‌هایی بسیار سودمند برداشته‌اند. از این‌رو، در کوشنامه حضور زنان نشانی از سیاست‌گذاری‌ها و اراده‌ی قوی در ساخت اجتماع به شمار می‌رود. زنان در کوشنامه هیچ‌گاه تنها در زمینه‌های کوچک و عاطفی محدود نشده‌اند؛ آنان تأثیر عمده‌ای در پیشرفت داستان و درگیری‌های اجتماعی و سیاسی دارند. زن در کوشنامه، بخشی مهم از نیروهای فعال و فکری است که می‌تواند برای جامعه حل مسئله کند. در مجموع، نقش زنان در کوشنامه با همان پیچیدگی و چند بعدی بودن خود، برخلاف سایر داستان‌ها و متون حماسی، تفاوت‌های خاصی دارد. آنها نه تنها بازتاب‌دهندگان اصلی مسائل اخلاقی، اجتماعی و سیاسی‌اند، بلکه در قالب انسان‌های واقعی با ویژگی‌های کامل انسانی خود به مردم و ساختارهای بزرگ‌تر نگاه می‌کنند و از این طریق می‌توانند تغییرات بسیاری در سرنوشت جامعه و افراد حاضر در داستان ایجاد کنند.

مقایسه تطبیقی شخصیت‌پردازی زنان در شاهنامه و کوشنامه

جنبه خاص: تفاوت‌های فرهنگی در بازنمایی زنان در شاهنامه و کوشنامه

یکی از جنبه‌های برجسته در تحلیل زنان شاهنامه و کوشنامه، توجه به تفاوت‌های فرهنگی و رویکرد این متون نسبت به شخصیت‌های زن است. فردوسی، با تأکید بر نقش اجتماعی و فردی زنان، آن‌ها را نه تنها به عنوان نمادهای عشق و وفاداری، بلکه به عنوان کنش‌گران اجتماعی و تصمیم‌گیرندگان حیاتی معرفی می‌کند. کوشنامه با تکیه بر روایات اسطوره‌ای بیشتر بر نقش‌های مادرانه و محافظه‌کارانه زنان تأکید دارد.

۱. زنان به عنوان بازیگران اجتماعی و سیاسی

در شاهنامه: سیندخت، نماد زن خردمند سیاسی در شاهنامه است. او در شرایطی بحرانی که عشق زال و رودابه باعث تنش‌های خانوادگی و اجتماعی می‌شود، نقش واسطه را ایفا می‌کند. او نه تنها خانواده را از جنگ و آشوب نجات می‌دهد، بلکه نشان می‌دهد زنان می‌توانند در امور دیپلماتیک و سیاسی تصمیم‌های مهم و موفق‌ی بگیرند.

گردآفرید نیز نمونه‌ای از یک زن جنگجو است که به‌طور مستقیم وارد مبارزه با دشمن می‌شود. اقدام شجاعانه او در جنگ نه تنها از شرافت قوم محافظت می‌کند، بلکه پیام قدرت زنان در دفاع از سرزمینشان را به روشنی می‌رساند.

در کوشنامه: کوشنامه، برخلاف شاهنامه، در ارائه نقش‌های اجتماعی و سیاسی زنان کمتر جسارت دارد. بیشتر شخصیت‌های زن کوشنامه، همچون پریناز، به عنوان بازیگرانی در سایه معرفی می‌شوند که اگر نقش مهمی دارند، اما به صورت غیرمستقیم و در ارتباط با خانواده یا قهرمان داستان عمل می‌کنند. این نقش‌ها نشان‌دهنده تصویری مثبت از زنان به عنوان ستون‌های استواری خانواده است.

۲. زنان و تقابل میان عشق و تعهد اجتماعی

در شاهنامه: تهمینه، یکی از عاطفی‌ترین شخصیت‌های شاهنامه، در ملاقات کوتاه با رستم، عشق خود را آشکار ابراز می‌کند و تصمیم می‌گیرد که مادر یک قهرمان باشد. این عشق اگرچه شخصی است، اما به یک تعهد اجتماعی بزرگ منتهی می‌شود؛ او مادر کسی است که سرنوشت شاهنامه را به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد. تهمینه با بیان صریح خواسته‌هایش، قدرت زنانه‌ای فراتر از کلیشه‌های سنتی زمانه خود نشان می‌دهد. در کوشنامه: کوشنامه عشق را بیشتر به‌صورت نقشی مکمل در زندگی خانوادگی قهرمانان تعریف می‌کند. زنان در این روایت‌ها نه به‌عنوان شخصیت‌های کاملاً مستقل، بلکه به‌عنوان مشوق یا پناهگاه قهرمانان معرفی می‌شوند. پریناز، با همه عشق و علاقه خود، هرگز به اندازه تهمینه از محدوده نقش سنتی زن فراتر نمی‌رود.

۳. تصویر زنان در نقش‌های منفی

در شاهنامه: فردوسی از جنبه‌های مختلف به شخصیت زنان پرداخته است، از جمله مواردی که زنان به‌عنوان نماد خیانت یا فریب ظاهر می‌شوند. سودابه در داستان سیاوش نمونه‌ای بارز از این زنان است. سودابه تلاش می‌کند سیاوش را به دام عشق خود بیندازد، اما وقتی از او پاسخ نمی‌گیرد، با اتهام دروغین زندگی او را تهدید می‌کند. در کوشنامه: کوشنامه کمتر به جنبه‌های منفی شخصیت زنان می‌پردازد. زنان در این داستان‌ها بیشتر در قالب همسرانی مطیع یا مادرانی دلسوز ظاهر می‌شوند و نقش فعال در خیانت یا فریب کمتر دیده می‌شود. این امر احتمالاً به دلیل جنبه‌های افسانه‌ای و محافظه‌کارانه‌تر داستان‌های کوشنامه در مقایسه با شاهنامه است.

۴. جنبه معنوی و الهی زنان در دو متن

در شاهنامه: شاهنامه گاهی از زنان به‌عنوان موجوداتی مقدس و الهام‌بخش یاد می‌کند. مادر رستم (رودابه) نماد پیوند بین دو جهان متفاوت و پرچمدار تولد قهرمانی مانند رستم است. نگاه فردوسی به این گونه زنان، آنها را به نمادی از قدرت الهی و مادر طبیعت تبدیل می‌کند.

در کوشنامه: در کوشنامه زنان به عنوان نگهبانان ارزش ها و اخلاق جامعه مورد ستایش قرار می گیرند. با این حال، تصویر آنها بیشتر بر جنبه های سنتی مانند پرورش و نگهداری خانواده متمرکز است و جنبه های گسترده معنوی کمتر مشاهده می شود.

نتیجه گیری

شاهنامه فردوسی و کوشنامه اثر ایرانشاه بن ابی‌الخیر، از برجسته‌ترین آثار حماسی ادب فارسی و جهان به شمار می‌روند که علاوه بر داشتن ارزش‌های هنری و حماسی، سندی معتبر از هویت، فرهنگ و ساختار اجتماعی فارسی‌زبانان در دوران کهن محسوب می‌شوند. این آثار، بستری برای بازتاب سیمای زنان و نقشی که آن‌ها در ساختار اساطیری، پهلوانی و تاریخی ایفا کرده‌اند، فراهم می‌آورند. نقش زنان در شاهنامه و کوشنامه به یک شکل نیست؛ بلکه هر کدام در بستری متفاوت از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و داستان‌پردازی حضور یافته و تأثیرات خاص خود را در روند روایت‌ها و تحول داستان‌ها داشته‌اند.

یکی از جوانب بسیار مهم در نقش زنان کوشنامه، تحلیل موقعیت اجتماعی زنان در درگیری‌ها و بحران‌های موجود است. در کوشنامه، زن‌ها نه تنها در خانه و محیط خانوادگی بلکه در تحلیل و بررسی پیامدهای اجتماعی-سیاسی و زندگی ملل نیز نقش دارند. گاه آنها بر اساس تحلیلات به پیشنهادات مهم رسیده و گام‌هایی بسیار سودمند برداشته‌اند. از این‌رو، در کوشنامه حضور زنان نشانی از سیاست‌گذاری‌ها و اراده‌ی قوی در ساخت اجتماع به شمار می‌رود. زنان در کوشنامه هیچ‌گاه تنها در زمینه‌های کوچک و عاطفی محدود نشده‌اند؛ آنان تأثیر عمده‌ای در پیشرفت داستان و درگیری‌های اجتماعی و سیاسی دارند. زن در کوشنامه، بخشی مهم از نیروهای فعال و فکری است که می‌تواند برای جامعه حل مسئله کند. در مجموع، نقش زنان در کوشنامه با همان پیچیدگی و چند بعدی بودن خود، برخلاف سایر داستان‌ها و متون حماسی، تفاوت‌های خاصی دارد. آنها نه تنها بازتاب‌دهندگان اصلی مسائل اخلاقی، اجتماعی و سیاسی‌اند، بلکه در قالب انسان‌های واقعی با ویژگی‌های کامل انسانی خود به مردم و ساختارهای بزرگ‌تر نگاه می‌کنند و از این طریق می‌توانند تغییرات بسیاری در سرنوشت جامعه و افراد حاضر در داستان ایجاد کنند.

منابع

۱. بهار، مهرداد (۱۳۸۳)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: پیوند نو.
۲. ریاحی، محمد امین (۱۳۸۰)، *فردوسی*، تهران: طرح نو.
۳. هاشمی، محمود (۱۳۷۰)، «مقام زن در شاهنامه فردوسی»، *مجله دانش*، ش ۲۷، ص ۵۷-۹۵.
۴. ساکایی، محمد یونس طغیان (۱۳۸۸)، *پله‌هایی بر کاخ بلند*، کابل: انتشارات سعید.
۵. رنجبر، احمد (۱۳۷۹)، *جاذبه‌های فکری فردوسی*، تهران: امیر کبیر.
۶. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، چاپ سوم، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
۷. سیاقی، محمد دبیر (۱۳۷۰)، *چهره زن در شاهنامه*، گردآورنده علی دهباشی، فردوسی و شاهنامه (ص ۱۲۳-۱۶۳) تهران: موسسه مدبر.
۸. ابن ابی‌الخیر، ایرانشان (۱۳۷۷)، *کوش‌نامه*، به تصحیح جلال متینی، تهران: علمی.
۹. بشیری، علی‌اصغر (۱۳۹۸)، «ارتباط منظومه کوش‌نامه با پادشاهان کوش در هزاره قبل از میلاد در آفریقا»، *مجله آینه میراث*، ۱۷ (۶۵)، ۱۸۱-۲۰۲.
۱۰. خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۶)، «شاهنامه برای ایرانیان، تاریخ است نه افسانه»، *مجله رودکی*، (۱۵)، ۱۷۹-۱۷۶.
۱۱. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۴)، *حماسه سرایی در ایران*، تهران: فردوس.